



دانشگاه الزهرا (س)

دانشکده ادبیات، زبان‌ها و تاریخ

پایان‌نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته ادبیات

عنوان

بازتاب اساطیر ایران باستان در دیوان مسعود سعد سلمان

استاد راهنما

دکتر ذوالفقار علامی مهماندوستی

استاد مشاور

دکتر سهیلا صلاحی مقدم

دانشجو

سمیه کلهر

مهر سال ۱۳۸۹

تقدیم به؛

پدر و مادر مهربانم که سال‌ها با دستانی رو به آسمان و چشمانی امیدوار
مسیر آینده‌ام را نگریسته‌اند
و همسرم به پاس تمام مهربانی‌هایش.

سپاسگذاری؛

نگارنده بر خود فرض می‌داند که از کسانی که الهام بخش و یاریگر او در امر تحقیق بوده‌اند قدردانی کند؛

از استاد ارجمند آقای دکتر ذوالفقار علامی مهماندوستی که زحمت راهنمایی این رساله را بر عهده داشتند و همواره با لطف و راهنمایی خود، آفریننده‌ی همت، انگیزه و تلاش در نگارنده بوده است، کمال تشکر و قدردانی را دارد.

و از استاد گرانقدر خانم دکتر سهیلا صلاحی مقدم که به عنوان استاد مشاور، با دقت نظر و عنایت خود موجبات هرچه بهتر شده این پژوهش را فراهم کردند، سپاس‌گذار است.

چکیده:

اسطوره یکی از ابزارهای مهم و کارآمد در سخن‌پروری است. این ابزار در دست شاعرانی توانمند وسیله‌ای می‌شود تا ایشان با آن به تقویت معنی و مضمون شعر و عمق و غنای سخن و نیز زیباسازی آن بپردازند. مسعود سعد سلمان نیز از شاعران نامداری است که از اسطوره در شعرش استفاده کرده است، بنابراین در این رساله به بررسی و تحلیل اسطوره‌های قوم ایرانی در شعر این شاعر نام‌آشنای ادب فارسی پرداخته شده است. روش کار به این شکل است که در ابتدا تمامی موارد اساطیری از روی منابع اصیل ایران باستان معرفی و پس از آن به بررسی اسطوره‌ها در سطح دیوان پرداخته می‌شود.

این رساله در شش فصل نوشته شده است. پس از مقدمه و دو فصل آغازین (کلیات و زندگی‌نامه‌ی شاعر)، در طی چهار فصل، شخصیت‌های اسطوره‌ای، موجودات اسطوره‌ای، پدیده‌های طبیعی و گاه‌شماری در ایران باستان؛ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بر اساس پژوهش انجام گرفته مشخص شد که اسطوره‌های ایرانی در شعر و سخن مسعود سعد به میزان قابل توجهی بازتاب یافته است. شاعر، این اسطوره‌ها را با اهداف مختلفی در کلام خود آورده که این اهداف عبارتند از؛ مدح - شکوه از حبس - آرایش کلام.

کلمات کلیدی: مسعود سعد، اسطوره‌های ایرانی، مدح، توصیف و

فهرست مطالب.....صفحه

مقدمه ۱-۶

مسئله پژوهش.....۳-۴

پرسش‌های پژوهش.....۴

فرضیات پژوهش.....۴

اهداف پژوهش.....۴-۵

پیشینه‌ی پژوهش.....۵-۶

فصل اول: زندگی‌نامه ۷-۲۱

ولادت، جوانی، کامیابی.....۸-۱۰

زوال دوران طلایی مسعود سعد و زندانی شدن وی.....۱۱-۱۲

رهایی.....۱۲-۱۳

حکومت چالندر.....۱۳

زندان مرنج.....۱۴

آزادی و ریاست کتاب‌خانه.....۱۴

ارتباط مسعود سعد با معاصران خود.....۱۴-۱۶

جایگاه مسعود سعد در ادب فارسی.....۱۶-۱۸

انواع قالب‌های شعری مسعود سعد.....۱۸-۱۹

مسعود سعد و حبسیّه.....۱۹-۲۱

فهرست مطالب.....صفحه

آثار مسعود سعد..... ۲۱

فصل دوّم: کلیّات و تعاریف ۲۲-۴۲

اسطوره در لغت و اصطلاح..... ۲۳-۲۵

تعریف اسطوره..... ۲۵-۳۰

اسطوره و تاریخ..... ۳۰-۳۲

اسطوره و حماسه..... ۳۲-۳۵

اسطوره و نماد..... ۳۶-۳۸

اساطیر ایرانی..... ۳۸-۳۹

منابع اساطیر ایرانی..... ۳۹-۴۲

مسعود سعد و اساطیر ایران باستان..... ۴۲

فصل سوّم: شخصیت‌های اسطوره‌ای ۴۳-۹۴

درآمد..... ۴-۴۵

الف: پادشاهان اسطوره‌ای..... ۴۵-۶۹

۱- هوشنگ..... ۴۵-۴۷

۲- جمشید..... ۴۷-۵۵

۳- فریدون..... ۵۵-۵۸

۴- کی قباد..... ۵۸-۶۱

فهرست مطالب..... صفحه

۵- کی خسرو..... ۶۱-۶۴

۶- نوزدر..... ۶۵-۶۶

۷- افراسیاب..... ۶۶-۶۹

ب: پهلوانان اسطوره‌ای..... ۶۹-۹۰

۱- سام..... ۶۹-۷۱

۲- زال..... ۷۱-۷۴

۳- رستم..... ۷۴-۸۲

۴- اسفندیار..... ۸۲-۸۵

۵- گیو..... ۸۵-۸۶

۶- بهمن..... ۸۶-۸۸

۷- طوس..... ۸۸-۹۰

پی‌نوشت‌های فصل سوم..... ۹۱-۹۴

فصل چهارم: موجودات اسطوره‌ای..... ۹۵-۱۱۲

درآمد..... ۹۶

۱- اژدها..... ۹۶-۱۰۰

۲- پری..... ۱۰۱-۱۰۳

۳- خروس..... ۱۰۳-۱۰۶

فهرست مطالب.....صفحه

۴-سیمرغ.....۱۱۲-۱۰۶

۱-۴)هما.....۱۰۹-۱۱۲

فصل پنجم: پدیده‌های طبیعی ۱۱۳-۱۸۵

بخش اول: آسمان و آنچه در آن است.....۱۱۴-۱۵۹

درآمد.....۱۱۵-۱۱۷

آسمان.....۱۱۷-۱۲۷

خورشید.....۱۲۸-۱۳۹

ماه.....۱۴۰-۱۴۲

ناهید.....۱۴۲-۱۴۵

بهرام.....۱۴۵-۱۴۸

کیوان.....۱۴۸-۱۴۹

مشتري.....۱۵۰-۱۵۳

تير.....۱۵۳-۱۵۵

پروين.....۱۵۵-۱۵۶

اسد.....۱۵۷-۱۵۸

ديو و شهاب.....۱۵۸-۱۵۹

بخش دوم: چهار آخشیج.....۱۶۰-۱۸۵

فهرست مطالب.....	صفحه.....
درآمد.....	۶۱-۱۶۲.....
آتش.....	۱۶۲-۱۷۱.....
باد.....	۱۷۱-۱۷۴.....
آب.....	۱۷۵-۱۷۸.....
خاک(زمین).....	۱۷۸-۱۸۵.....
پی‌نوشت‌ها فصل پنجم.....	۱۸۶.....
فصل ششم: گاه‌شماری در ایران باستان.....	۱۸۷-۲۴۴.....
درآمد.....	۱۸۸-۱۹۳.....
بازتاب گاه‌شماری ایران باستان در دیوان مسعود سعد سلمان.....	۱۹۳-۲۴۴.....
پی‌نوشت‌های فصل ششم.....	۲۴۵-۲۴۶.....
نتیجه‌گیری.....	۲۴۷-۲۴۹.....
جدول بسامدها.....	۲۵۰-۲۵۶.....
چکیده‌ی انگلیسی.....	۲۵۷.....
فهرست منابع و مآخذ.....	۲۵۸-۲۶۵.....



مقدمه:

اسطوره نوعی پاسخ به چراها، چگونگی‌ها و علت‌ها و ... است. اسطوره گونه‌ای قصه است که در آن سخن از همه چیز است سخن از آغازهاست، آغاز همه چیز؛ جهان، انسان، گیاه و ... سخن از فرجام هاست؛ فرجام هر آن‌چه هست، سخن از پدیده‌های طبیعی است چون رعد و طوفان ... سخن از دوگانگی‌ها و تضادها است؛ دیوان و خدایان - اژدهایان و قهرمانان - نور و تاریکی... سخن از آیین‌ها و رسوم است چون قربانی کردن‌ها ... سخن از جشن‌ها و اعیاد است چون سده، مهرگان، نوروز... . خلاصه‌ی کلام شناخت اساطیر، در واقع رسیدن به اصل همه چیز است و پی بردن به اندیشه و باورمندی نیاکان در عصر نخستین و نخستینه‌ها.

اسطوره و اندیشه‌ی اساطیری در ذهن همه‌ی مردمان کم یا بیش وجود دارد و هر شخصی فارغ از آن‌چه هست، از اسطوره و تفکر اسطوره‌ای بهره می‌برد. این اندیشیدن و باورمندی اساطیری نزد افراد خاصّ جامعه که از روحی حسّاس‌تر و ناخودآگاهی بارورتر بهره‌مند هستند (چون شاعران) رنگ و لعاب بیشتری می‌یابد و ایشان به وصف و ارائه‌ی این مفاهیم به زبانی نمادین و هنری می‌پردازند که گاه صریح و بی‌پرده است و گاه در لفافه و مبهم.

میراث مکتوب (و غیر مکتوب) گذشتگان ما آکنده از اشارات و نکاتی است که ما را با جهان‌بینی پیشینیان مان آشنا می‌سازد. هر شاعر و نویسنده‌ای آگاهانه یا ناخودآگاه از مفاهیم و نمونه‌هایی در اثر خود بهره می‌برد که از دنیای اساطیر گرفته است. در واقع اسطوره یکی از نموده‌های فرهنگ است که پیوندی ژرف و انکارناپذیر با دنیای هنر و ادب دارد. اما این مفاهیم و نمونه‌های اساطیری در

مسیر تاریخی همگام با آدمی پیش می‌آید و همواره زنده و پویا هستند. همسان آدمی و اندیشه- هایش بر اثر گذشت زمان رنگ و جلایی تازه می‌پذیرند و حتی در برخی موارد تا حدودی تغییر هم می‌کنند. بنابراین وقتی شاعری چون مسعود سعد در قرن پنجم و اوایل قرن ششم از اساطیر دوران باستان در شعر و سخن خود بهره می‌برد باید این انتظار را داشت که او بتواند از این نمونه‌های اسطوره‌ای در چهره‌ای متفاوت از آنچه در دوره‌ی خود داشتند، بهره گیرد. البته این تفاوت‌ها و دگرگونی‌ها اندک و در مواردی بیشتر است.

رساله‌ی حاضر تلاشی است برای یافتن، تحلیل و بررسی آن دسته از اسطوره‌های ایران کهن که در دیوان مسعود سعد بازتاب یافته است. از میان انبوه اساطیر ایران باستان سهم مسعود سعد و شعرش نسبتاً قابل توجه و تأمل است. این رساله در طیّ شش فصل به اساطیر به کار رفته در شعر وی خواهد پرداخت. پس از ارائه‌ی مقدمه‌ی کار، فصول این رساله آغاز می‌شود. در فصل اوّل "زندگی‌نامه" به وقایع زندگی شاعر و مسائلی از این دست پرداخته خواهد شد. در فصل دوّم "کلیات" مباحث زیر مطرح خواهد شد؛ اسطوره و تعاریف لغوی، اصطلاحی و علمی- اسطوره و تاریخ- اسطوره و حماسه- اسطوره و نماد و از فصل سوّم رسالت اصلی رساله آغاز می‌شود؛ در بحث از شخصیت‌های اسطوره‌ای در فصل سوّم که خود به دو دسته‌ی پادشاهان اساطیری و پهلوانان اساطیری تقسیم می‌شود، به این دسته از اسطوره‌های ایرانی و بازتاب آن‌ها در شعر و سخن مسعود سعد پرداخته خواهد شد.

در فصل چهارم با عنوان "موجودات اسطوره‌ای" به بحث و بررسی موجودات اساطیری بکار رفته در شعر این شاعر توجه می‌شود. اژدها، سیمرغ (هما)، پری و خروس در شمار موجوداتی با پیشینه- ی اسطوره‌ای هستند که در سخن مسعود سعد بازتاب یافته‌اند.

فصل پنجم با عنوان "پدیده‌ها طبیعی" به دو بخش کلی تقسیم می‌شود؛ در بخش اول "آسمان و آنچه در آن است" به آسمان و اجرام سماوی چون: خورشید، ماه، ناهید، کیوان و ... پرداخته می‌شود. کاربرد این قسم از اسطوره در دیوان مسعود سعد بسیار چشمگیر و شاخص است. در بخش دوم از فصل پنجم به بررسی چگونگی بازتاب چهار عنصر ارزشمند ایران کهن یعنی؛ آتش، باد، آب و خاک، توجه می‌شود. در این بخش، آتشکده و کوه در ذیل عناوین آتش و خاک گنجانده خواهد شد. در فصل پایانی با عنوان "گاه‌شماری در ایران باستان"، مباحث زیر بررسی می‌شود؛ گاه‌شماری ایران باستان، که به بررسی چگونگی کاربرد سی روزه‌ی باستانی در شعر مسعود سعد و دوازده ماه گاه‌شماری ایران کهن و اعیاد و جشن‌های ملی ایران چون نوروز و مهرگان و ... می‌پردازد.

مسئله پژوهش:

بررسی آثار ادبی که دارای بن مایه‌ها و مضامین اسطوره‌ای هستند، از یک سو نوع مضامین اسطوره‌ای و نوع نگرش و نگاه شاعر و صاحب اثر را نسبت به این مضامین نشان می‌دهد، از سوی دیگر جایگاه او را در بین دیگر شاعران از این حیث مشخص می‌کند، همچنین قدمت و اصالت آن را به نمایش می‌گذارد، و در نهایت با این‌گونه تحلیل‌ها می‌توان به بررسی جوامع کهن پرداخت. یکی از کارکردهای اسطوره، تجلی آن در هنر و ادبیات است، از این رو بسیاری از آثار کلاسیک و معاصر ادب فارسی دارای ژرف ساخت اسطوره‌ای هستند. ژیلبر دوران معتقد است ساختار اسطوره‌ای ممکن است در اثری آشکارا و هویدا نباشد اما یقیناً در بطن متن یا شعر وجود دارد، و یا این‌که اسطوره آشکار باشد. در دیوان اشعار مسعود سعد سلمان که یکی از شاعران برجسته قرن پنجم هجری است انواع اسطوره‌ها به‌ویژه اسطوره‌های ایران باستان آشکارا دیده می‌شود به‌ویژه که ژانر حبسیه از آن او است. چنین به‌نظر می‌رسد که مسعود سعد به دلیل علاقه و

مطالعه در ادب و فرهنگ ایران قدیم نسبت به شاعران هم عصر خود از اساطیر بیشتر متأثر شده است.

پرسش‌های پژوهش:

۱- اساطیر ایران باستان در دیوان مسعود سعد از چه جایگاهی برخوردار است؟

۲- شاعر از این اساطیر در راستای چه هدفی بهره گرفته است؟

فرضیات پژوهش :

۱- با در نظر گرفتن آشنایی مسعود سعد با شاهنامه و آثار ادبی پیش از خود و علاقه وی به فرهنگ و سنن ایران قدیم به نظر می‌رسد اساطیر ایران باستان در دیوان وی از تنوع و جایگاه بالایی برخوردار است.

۲- شاعر علاوه بر زنده نگه داشتن فرهنگ با شکوه ایران گذشته، با کمک گرفتن از این مضامین در راستای بیان احساس و اندیشه و تصویرسازی استفاده کرده است. به نظر می‌رسد کاربرد شخصیت‌های اسطوره‌ای آنجایی که وی به مدح می پردازد نمایان تر است.

اهداف پژوهش و ضرورت آن:

بررسی اسطوره در هنر و ادبیات از جهات مختلفی مهم و ارزشمند به حساب می‌آید؛ اول این که با نشان دادن هویت و صبغی اساطیری یک اثر، ارزش و جایگاه آن در میان دیگر آثار برجسته تر می‌شود. و دوم این که با معرفی ارزش‌های اسطوره‌ای یک اثر به مخاطب در درک عمیق تر و در نهایت لذت بردن از آن کمک شایان توجهی می‌کند. تحلیل اسطوره‌ای با بررسی و ژرف‌کاوی آثار ادبی در دو سطح اسطوره‌های آشکار و پنهان سعی در شناساندن آثار ارزشمندی دارد که از جنبه‌ی اسطوره‌ای قابل ملاحظه و توجه هستند. هدفی که این رساله به دنبال آن است نشان دادن جایگاه

اسطوره در دیوان مسعود سعد است و این که آیا می توان دیوان مسعود سعد را به عنوان قالبی برای به تصویر کشیدن اساطیر ایران باستان معرفی کرد یا نه؟ گام بعدی بررسی اسطوره از نظر گوناگونی و تنوع و بسامد آن است. در نهایت نقد و بررسی زمینه ها و اهدافی است که شاعر در آن ها از اسطوره بهره برده است.

پیشینه پژوهش:

در زمینه اسطوره در دیوان مسعود سعد هیچ تحقیق مستقلی انجام نشده است و کارهای صورت گرفته در مورد مسعود سعد و شعرش در حوزه های تصحیح، نقد روانشناسی، شرح احوال و آثار، نقد گزیده اشعار او، آداب و رسوم در اشعار او و ویژگی های سبکی و مباحث کلامی و صور خیال است. در آثار زیر به صورت گذرا و اشاره وار به اسطوره در دیوان مسعود سعد اشاره شده است.

کتاب:

۱- نقش و تار پرنیان (گزیده مقالات درباره مسعود سعد سلمان)، وحید مبارک: در مقدمه این کتاب به تاثیر شاهنامه بر دیوان مسعود سعد پرداخته شده است که البته این تاثیرات فقط در حدّ به کار رفتن نام های مشترک پهلوانان و آداب سنن مشترک دو کتاب و ذکر بیت است و کاری به نقد و بررسی دو اثر ندارد.

پایان نامه ها:

۱- آیین و رسوم در شعر شاعران قرن ۵ (از فرخی تا مسعود سعد)، حسین تاجیک چوبه: در این رساله همان طور که از نام آن پیداست به آداب و رسوم ملی و مذهبی (چون: مراسم عروسی، جشن سده، مهرگان، عید فطر، قربان...) و باورها و اعتقادات (همانند: تاثیر کواکب، چشم زخم اسپند

سوختن، عود سوختن و...) توجه شده است که در آن به برخی از ابیات مسعود سعد به عنوان شاهد اشاره شده است.

۲- عناصر مربوط به فرهنگ عامه در شعر مسعود سعد سلمان، معصومه محمودی پیغان: در این مجموعه نیز به مواردی مانند باورهای دینی، اعتقادات نجومی و ... پرداخته شده که فقط به بیان ویژگی‌ها و توصیف موارد و ارائه‌ی ابیات شاهد اکتفا شده است. مثلاً در مود انبیا و پیامبران تنها به ذکر نام و بیان حادثه‌ی مربوطه پرداخته شده و شواهد ابیات ذکر شده است.

۳- فرهنگ لغات و ترکیبات و اصطلاحات دیوان مسعود سعد سلمان، از محمد محمدیان.

۴- فرهنگ واژگان و اصطلاحات دیوان مسعود سعد سلمان، از احمد کندسر: این دو پایان نامه به شرح لغات و تعبیر دشوار مسعود سعد می پردازد و در مورد واژگان اساطیری، فقط به ارائه‌ی توضیح لغوی و معنایی آن بسنده می‌کند.

۵- فرهنگ موضوعی قصاید مسعود سعد سلمان، از سید داوود حجازی: این رساله که شامل ۱۳ فصل است در فصلی با نام اشارات و اساطیر، به طور ناقص و گذرا به ذکر برخی موارد اسطوره‌ی پرداخته شده است. اما در ارتباط با توضیح و تحلیل موارد اسطوره‌ای کاری انجام نگرفته و در این مورد فقط به ذکر ابیات شاهد اکتفا شده است.

شایان ذکر است که آثار دیگری از قبیل: پایان نامه، کتاب و مقاله و... در ارتباط با مسعود سعد و شعرش وجود دارد اما از آنجایی که به حوزه‌ی کار این رساله مربوط نمی‌شود از ذکر آن خودداری گردید.

فصل اول:

کتابت

ولادت، جوانی، کامیابی:

تو حال و قصه‌ی من خوان که حال و قصه‌ی من بسی شگفت‌تر از حال وامق و عذراست

(دیوان: ج ۱ / ۷۴)

«مسعود سعد به احتمال زیاد در بین سال‌های ۴۳۸ تا ۴۴۰ ه. ق در لاهور به دنیا آمد ... خود شاعر در اشعار گوناگون به این نکته تصریح کرده است. کودکی و نوجوانی شاعر در لاهور، هدف آموختن علم و ادب و نیز فراگرفتن فنون جنگ‌آوری و شکار و تیر اندازی و سوارکاری گردید، به‌ویژه که به سبب اشتغال پدرانش به امور دیوانی، آموختن شعر و ادب و ترّسل در خاندانش موروثی بود. بنابراین هنگامی که در سنین بیست سالگی به سیف الدوله پیوست، از هر جهت شایستگی منادمت و کارگزاری آن شاهزاده را دارا بود و در جنگ‌ها در کنار او شمشیر می‌زد و فتح‌نامه می‌سرود و در هنگام بزم مدیحه سرایی می‌کرد و در جشن‌ها و اعیاد رسمی، به زبان شعر تبریک و تهنیت می‌گفت ... این روزگار دوران تنعم و کامروایی او بود چنان‌که در شعر خود آرزو می‌کرد که همین روزگار همیشه بماند: تاهست روزگار همین باد، اما ای بسا آرزو که خاک شده» (نوریان، ۱۳۷۵: ۱۳-۱۴).

عده‌ای از تذکره نویسان هم‌چون عوفی در لباب الالباب، امین احمد رازی در هفت اقلیم مسعود سعد را همدانی خوانده‌اند. این تذکره نویسان به احتمال زیاد یکی از اشعار مسعود سعد را مبنای قضاوت خویش قرار داده‌اند، آنجا که می‌گوید:

گر دل به طمع بستم شعر است صناعت
ور احمقیی کردم اصل از همدانست

اما طبق مستندات تاریخی، پدر مسعود سعد پیش از ولادت وی از همدان راهی غزنین شد و از آن‌جا در رکاب امیر مجدود به لاهور رفت و در آن دیار اقامت گزید؛ پس از سلطان محمود غزنوی، پسرانش محمد و مسعود جانشین وی شدند. مسعود غزنوی در دوران سلطنت خود، فرزندش مجدود را در سال ۴۲۷ ه. ق به امارت هند منسوب کرد و سعد سلمان به عنوان مستوفی به همراه وی راهی هندوستان شد. ابولفضل بیهقی در کتاب خود "تاریخ بیهقی" به این واقعه اشاره کرده است: «روز سه شنبه سوم ذیقعد خدائندزاده امیر مجدود خلعت پوشید به امیری هندوستان تا سوی لوهور رود، خلعتی نیکو، چنان‌که امیران را دهند که فرزند چنین پادشاه باشند و وی را سه حاجب با سپاه دارند و بونصر پسر بوالقاسم علی نوکی از دیوان با وی به دبیری رفت و سعد سلمان به مستوفی، و حلّ و عقد سرهنگ محمد بستد. و با این ملک‌زاده طبل و علم و کوس و پیل و مهد بود...» (بیهقی، ۱۳۸۵: ۷۲۳). این شعر تنها می‌تواند بیانگر این نکته باشد که اصل و نژاد مسعود همدانی است، نه این‌که همدان محل تولّد وی است (یاسمی: همان: مقدمه).

سیف الدوله محمود در سال ۴۶۹ ه. ق به سلطنت هند رسید. مسعود سعد با پیوستن به او به دربار غزنوی راه یافت. این دوران، روزگار کامیابی و رفاه مسعود سعد بود. وی خود در احوال خویش در این دوره چنین می‌گوید: